

شناسایی مولفه‌های اثر گذار بر عدم تحقق توسعه اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران

مهدی خورشیدی آزاد^۱، زهرا حضرتی صومعه^۲، ساسان ودیعه^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۷

چکیده:

هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل و مولفه‌های اثرگذار بر عدم تحقق توسعه در دوره پس از انقلاب اسلامی است. پژوهش به لحاظ هدف توسعه‌ای و از لحاظ ماهیت توصیفی و از لحاظ روش کیفی است. جامعه آماری را نخبگان و متخصصان حوزه‌های اقتصاد، جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه و همچنین دست اندرکاران امر توسعه اقتصادی کشور تشکیل دادند. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند مصاحبه با ۱۵ نفر از جامعه آماری انجام گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها، از روش تحلیل مضمون استفاده شد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، عدم جذب سرمایه‌های خارجی، فرار سرمایه، فرار مغزها، عدم اجماع و وفاق ملی در مورد توسعه، تاکید بر ایدئولوژی‌گرایی به جای ملی‌گرایی، وجود حاکمیت رانتی، عدم توجه به آزادی‌های سیاسی به عنوان مهمترین عوامل و مولفه‌های اثرگذار بر عدم دستیابی به سطح مطلوبی از تولید و رفاه در دوره پس از انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند. علاوه بر این، از دیدگاه متخصصان، حجم بالای نقدینگی، افزایش نرخ ارز، عدم ثبات سیاست‌های پولی، بالابودن نرخ بهره، ورشکستگی بانکها به عنوان تبعات سیاست‌های پولی و قیمتی اشتباه در طی سالیان اخیر و اثرات آن بر رشد اقتصادی به شمار می‌آیند. همچنین، بر اساس نتایج بدست‌آمده، دخالت‌های غیرکارشناسی دولت در موضوع ارز، اصرار بر قیمت‌گذاری دستوری از سوی دولت، عدم وجود نظام واقعی تقسیم وظایف در ساختار دولت، نظام مالیاتی ناعادلانه، حجم دولت، مخارج بالای دولت، فساد به عنوان مهمترین دلایل تأثیرات منفی دولت در عرصه عدم توسعه اقتصادی به شمار می‌آیند.

واژگان اصلی: توسعه اقتصادی، جامعه‌شناسی اقتصاد، جمهوری اسلامی ایران، رویکرد کیفی.

۱. دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

hazrati14@yahoo.com

۳. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

در دنیای معاصر با پیشرفت‌های شگرف علمی و فناوری، روند جهانی شدن و برخی عوارض صنعتی شدن سریع قدرت‌های نوظهور اقتصادی که نزدیک نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند و گرم شدن زمین، رشد مهاجران قانونی و غیر قانونی، چندی است که طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه را بیش از پیش ضروری ساخته است (اخوی، ۱۳۷۳: ۱۱۶).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی در ایران، شرایط اقتصاد سیاسی کشور به کلی دگرگون شده است که این دگرگونی بیش از هر چیز ریشه در جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک و سیاسی نظام جمهوری اسلامی دارد که به کلی با اسلاف خود متفاوت می‌باشد. بنیادهای نظام بروکراتیک کشور در دوران پهلوی مبتنی بر روابط سیاسی و اقتصادی با نظام بین‌الملل و بویژه توسعه دولتی وابسته به غرب سازماندهی شده بود؛ نهادهای اقتصادی مبتنی بر این اساس فعالیت می‌کردند که ایران کشوری در ارتباط و وابسته به غرب است و دولت باید بخش حداکثری اقتصاد را کنترل نماید. با پیروزی انقلاب اسلامی حلقه ارتباطی با دنیای غرب (که اساس فعالیت‌ها و توسعه اقتصادی کشور بدان وابستگی جدی داشت) قطع شد و از این رو شرایط اقتصاد سیاسی پیش روی ما به کلی دستخوش تحول گردید. به فراخور قطع شدن پیوند محکم با دنیای غرب، بروز بحران‌های ساختاری، تبدیل شدن اتحاد استراتژیک با غرب به دشمنی آشکار و به طور خلاصه تغییر شرایط حاکم بر اقتصاد سیاسی کشور، سیاستگذاری باز طراحی شد و برنامه ریزی مناسبی برای نهادهای اقتصادی کارگزار توسعه صورت نپذیرفت و نهادهای بر جای مانده از رژیم قبلی با تغییرات جزئی به فعالیت سنتی خود ادامه دادند، بدون آنکه توجهی به شرایط تغییر یافته اقتصاد سیاسی کشور داشته باشند و یا تحرکی برای ایجاد تحول در عرصه اقتصادی مبتنی بر شرایط جدید اقتصاد سیاسی تدارک ببینند. نتیجه این وضعیت آن است که اقتصاد ایران با توسعه یافتگی فاصله بسیار دارد (امیری و حسین زاده، ۱۳۹۹: ۱۰).

اقتصادی که در آن نهادهای سنتی به شیوه‌های سنتی فعالیت کرده و برای نقش آفرینی مؤثر در وضعیت جدید اقتصاد سیاسی کشور بروزرسانی و آماده نشده‌اند، بخش خصوصی در اقتصاد کشور حضور پررنگ ندارد، خصوصی سازی‌های صورت گرفته منجر به بروز پدیده خصولتی‌ها شده، نقدینگی سرگردان در اقتصاد کشور به طور تصاعدت بالا می‌رود، تورم بالا همواره به عنوان معضلی جدی خودنمایی می‌کند و در نهایت توسعه پایدار اقتصادی اتفاق نمی‌افتد. عدم وجود

سیاست‌گذاری و استراتژی توسعه متناسب با شرایط اقتصاد سیاسی کشور منجر به بیکاری گسترده، توزیع نامتعادل در آمد، افزایش شدید و تصاعدی نقدینگی، عدم استفاده مطلوب از ظرفیت‌های تولیدی و اتلاف منابع سرمایه‌ای شده است (مک لئود، ۱۳۷۹: ۹۶).

ایران جزء اولین کشورهای جهان است که برنامه ریزی توسعه داشته است، اما علی رغم بیش از هفتاد سال تجربه برنامه ریزی و تلاش فراوان نیروی انسانی و صرف منابع مادی قابل توجه، بسیاری از اهداف اقتصادی این برنامه‌ها محقق نشده است. از سوی دیگر، مشکلات جدیدی نیز در کشور ایجاد شده و هدف گذاری جدید برنامه‌ها برای حل و فصل آنها نیز موفقیت قابل توجهی نداشته است؛ بنابراین، پرسش‌های متعددی در مورد علت این مسئله مطرح شده است. از این رو مسئله پژوهش حاضر این است که مهمترین عوامل و مولفه‌های اثرگذار بر عدم تحقق توسعه در دوره پس از انقلاب اسلامی کدامند؟ و این مؤلفه‌ها چگونه بر عدم تحقق توسعه اقتصادی کشور تأثیر گذار بوده است؟

پیشینه پژوهش

در ذیل برخی از پژوهشهایی که تا حدودی با پژوهش حاضر مرتبط می‌باشند ارائه شده‌اند:

(مسعودی، ۱۳۹۸: ۷)، به "مطالعه تطبیقی توسعه اقتصادی ایران در مقایسه با کشورهای منطقه" پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در حوزه اثرگذاری، کاهش GDP بیشترین و توزیع نابرابر درآمد و کمبود سرمایه گذاری کمترین اثر را بر سایر عوامل مورد بررسی دارند. همچنین در حوزه اثرپذیری، عوامل اقتصادی نظیر تحریمها و قوانین و مقررات ناکارآمد اقتصادی بیشترین و توزیع نابرابر درآمد، سوء مدیریت تصمیم گیران اقتصادی و کمبود سرمایه گذاری کمترین اثرپذیری را از سایر عوامل دارا می‌باشند.

(مردانی و مرادزاده، ۱۳۹۸: ۱۸)، به بررسی "تأثیر درآمدهای نفتی بر توسعه اقتصادی کشور ایران" پرداخت. با توجه به یافته‌های پژوهش، تا زمانی که اصلاحات ساختاری و سیاستی در نظام پولی، مالی، ارزی و نهادی صورت نگیرد، نمی‌توان از وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی کاست. در زمینه عملکرد صندوق بر کاهش نوسانات تکانه‌های نفتی، نتایج کوتاه مدت حاکی از اثرگذاری بیشتر سیاست بودجه‌ای و ارزی دولت در قیاس با صندوق در کنترل نوسانات است، اما در بلندمدت هم سیاست‌های بودجه‌ای و ارزی و هم صندوق به

کاهش نوسانات تکانه‌های نفتی کمک خواهند کرد. بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود، در راستای اصلاحات ساختاری اقتصادی، تغییرات تدریجی در نرخ بهره در مقایسه با تغییرات ناگهانی به لحاظ شیوه اثرگذاری بر تولید، تورم و سرمایه‌گذاری و همچنین از بعد ایجاد نوسانات کمتر در متغیرهای اقتصادی، ارجحیت دارد. توصیه می‌شود در زمان وقوع نوسانات قیمت یا تولید نفت برای ثبات بازار ارز به اتخاذ سیاست‌های ارزی توجه شود.

(عینی و دلاوری، ۱۳۹۷: ۱۳۷)، به "مقایسه نقش نخبگان در فرایند توسعه اقتصادی ایران و مالزی با تاکید بر نظریه آدریان لفت ویچ" پرداخت. یافته‌ها حاکی از آن است که با وجود دیدگاه‌های اقتصادی مشابه خاتمی و ماهاتیر محمد، به دلیل عدم اقتدار و قدرت رییس‌جمهور در تعیین سیاست‌های اقتصادی کشور ایران، خاتمی نتوانست برنامه‌های اقتصادی خود را به طور کامل اجرا کند. در حالی که ساختار سیاسی و تبعیت سایر نهادهای سیاسی مالزی از ماهاتیر محمد باعث شد تا او، مالزی را به سمت توسعه اقتصادی با به کارگیری برنامه‌های اقتصادی خود سوق دهد. بنابراین، توسعه اقتصادی ایران، مستلزم اجماع ملی و حمایت از سیاست‌های اقتصادی تعیین شده می‌باشد. در مجموع باید گفت، توسعه اقتصادی نیازمند محیطی آرام و کم‌تنش، انسجام درونی نخبگان جامعه، تکثرگرایی سیاسی و مذهبی، ثبات سیاسی، و فرهنگ تلاش جمعی است.

(سیفی و ملکی، ۱۳۹۵: ۸)، به "بررسی تحلیلی عوامل رشد و توسعه اقتصادی ایران و تدوین استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی در شرایط کنونی منطقه و جهان" پرداختند. در این مقاله به بررسی عوامل تحقق توسعه اجتماعی و اقتصادی در قالب یک مدل SWOT پرداخته شده است. بدین منظور فقط ۵ استراتژی به عنوان راهبردهای مختلف برای برون رفت از وضعیت فعلی جامعه و تحقق توسعه اجتماعی و اقتصادی مورد نظر مطرح گردیده است. البته استراتژی‌های بسیار مهمی نظیر خروج از رکود همزمان با مهار تورم، کاهش وابستگی به درآمد نفت، جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت مانند مالیات و درآمدهای ترانزیتی و نیز کاهش خروج نخبگان و فرار سرمایه، که در این مقاله مستقیماً مورد اشاره نبوده است، به خودی خود محقق نمی‌گردد و در صورت اجرای موفق ۵ استراتژی برشمرده به این موارد نیز دست پیدا خواهیم کرد. ضمن اینکه باید توجه داشته باشیم که تحلیل SWOT قبل از توافق هسته‌ای به استراتژی‌های WT یعنی تدافعی منجر می‌گردیده است، این در حالیست که برای شرایط اجتماعی و اقتصادی پس از برجام هسته‌ای، نتایج تحلیلی این مقاله به استراتژی‌های WO یعنی رویکرد استراتژی تغییر منجر گردیده

است. در نهایت تاکید می‌گردد استراتژی‌های توسعه کشور علی‌القاعده شامل بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، سیاسی، بین‌المللی و... می‌باشد.

(قاسم علی و حضرتی صومعه، ۱۳۹۴: ۴۴)، به "بررسی تطبیقی - تاریخی توسعه‌ی اقتصادی در ایران و کره جنوبی از زمان ادغام در نظام جهانی تاکنون" تاکنون پرداختند. نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که در کره جنوبی عناصر فرهنگی مرتبط با توسعه‌ی اقتصادی از جمله: انضباط، عقل‌گرایی، مشارکت، عدم تقدیرگرایی، علم‌گرایی، قانون‌گرایی، وجدان‌کاری، نگرش علمی، احساس توانایی مسئولین و مردم در نیل به توسعه، روحیه‌ی انباشت سرمایه و... از طریق آموزه‌های آیین‌ها و مذاهب گوناگون در افراد درونی شده و دستیابی به توسعه اقتصادی را میسر نموده است. درحالی که در ایران با وجود تأکیده‌های دین اسلام، به دلیل شرایط تاریخی و اجتماعی حاکم بر این کشور، عناصر فرهنگی مناسب توسعه در افراد درونی نشده است و بدین سبب شاهد کندی پیشرفت اقتصادی می‌باشیم. در مجموع، مؤلفه‌های مذکور در دیالکتیک و تأثیرگذاری متقابل با یکدیگر، دو نتیجه‌ی متفاوت را در دو جامعه مورد مطالعه سبب گشته‌اند.

(اینفوگه^۱، ۲۰۲۱: ۵۹)، به بررسی "کاهش موانع ساختاری توسعه اقتصاد جهانی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته" پرداخت. این مقاله به عنوان یک راه حل دست یافتنی، نیاز مبرم به تغییر اجتماعی-اقتصادی را به عنوان سیاست پیشنهاد می‌کند. این مقاله بر چگونگی نقش نوآوری فناورانه در حمایت از توسعه پایدار یکپارچه متمرکز شده است.

(برکه^۲، ۲۰۲۱: ۲۲۹)، به بررسی "سهم دانشگاه در توسعه اقتصادی منطقه" مبادرت نمودند. در این مطالعه، نویسندگان مجموعه پژوهشاتی را که به سرعت در حال رشد است از جغرافیای نوآوری و دانش با توجه ویژه به دوره ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۹ بررسی می‌کند. این بررسی ادبیات با شناسایی چهار موضوع اصلی موجود در ادبیات یک چارچوب مفهومی ارائه می‌دهد: ظرفیت سازمانی، واسطه‌ها، پویایی دانش و سیاست.

(سبیر و همکاران^۳، ۲۰۱۹: ۱۹۵)، به مطالعه "توسعه مالی، فناوری و توسعه اقتصادی با تاکید بر نقش نهادها در کشورهای در حال توسعه" پرداختند. نتایج تجربی نشان می‌دهد که برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار، کشورهای در حال توسعه باید مؤسسات خود را برای

¹ Enaifoghe

² Brekke

³ Sabir et al.

عملکرد مؤثر بازارهای مالی که تحریک رشد اقتصادی با تأمین مالی به کارآفرینان برای نوآوری در بخشهای فناوری است، توسعه دهند.

(دی‌ولتی و همکاران^۱، ۲۰۱۸: ۱)، به بررسی "رابطه بین کارآفرینی و توسعه منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه" پرداختند. برآوردهای به دست آمده از فرضیه‌ای با فرض تأثیر منفی کارآفرینی بر توسعه منطقه‌ای کشورهای در حال توسعه (که توسط تولید ناخالص داخلی و GNI نشان داده می‌شود) پشتیبانی می‌کنند. با این وجود، اثری از کارآفرینی بر HDI اثبات نشده است. (مویو و ساکاتا مافوسا^۲، ۲۰۱۷: ۱۷۳)، به مطالعه "اثربخشی کمک‌های خارجی در توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه" پرداختند. در این مقاله استدلال می‌شود که اثربخشی کمک‌های خارجی تنها در صورت تغییر معیشت مردم برای بهتر شدن قابل مشاهده است. این مقاله کشف کرد که کمک‌های خارجی به دولت زیمبابوه اعطا می‌شود و کمک‌های عظیمی به اقتصاد می‌کند گرچه عمدتاً به برخی مفاد اهداکنندگان بستگی دارد که بر هدف آن تأثیر منفی می‌گذارد و در نتیجه دولت زیمبابوه به کمک خارجی وابسته می‌شود. نویسندگان نتیجه گرفتند که کمک خارجی سودمند است هرچند که اثربخشی آن با کنترل اهدا کننده مغایرت دارد.

(هاراگوچی و همکاران^۳، ۲۰۱۷: ۲۹۳)، به بررسی "اهمیت تولید در توسعه اقتصادی" پرداختند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که از سال ۱۹۷۰ به ترتیب، ارزش افزوده بخش تولید و سهم اشتغال در تولید ناخالص داخلی جهان و اشتغال تغییر نکرده است. پتانسیل توسعه اما در عوض ناشی از تغییر فعالیتهای تولیدی به تعداد نسبتاً کمی از کشورهای پرجمعیت بوده است، بنابراین منجر به تمرکز فعالیتهای تولیدی در کشورهای خاص در حال توسعه می‌شود.

روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی است. به دلیل آنکه پژوهشگر به دنبال شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار بر عدم تحقق توسعه در جمهوری اسلامی ایران است و امکان دستیابی به مؤلفه‌های آن از روش کمی و تنازل داده‌ها به عدد و رقم وجود ندارد، مبادرت به انتخاب رویکرد کیفی نموده است. علاوه بر این، پژوهش حاضر از حیث هدف توسعه‌ای است زیرا ماهیتی اکتشافی دارد. از طرفی تحقیق

¹ Dvouletý et al.

² Moyo & Tsakata Mafuso

³ Haraguch et al.

توصیفی است زیرا نظرات افراد و گروه‌ها را در مورد یک پدیده بررسی می‌کند. جامعه آماری این تحقیق را نخبگان و متخصصان حوزه‌های اقتصاد، جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه و همچنین دست اندرکاران امر توسعه اقتصادی کشور تشکیل می‌دهند. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب نمونه تا اندازه‌ای ادامه یافته است که اشباع نظری حاصل شود که حاصل آن مصاحبه با ۱۵ نفر از جامعه آماری بوده است. با توجه به اینکه روش پژوهش کیفی است از تکنیک مصاحبه نیمه ساخت یافته به منظور گردآوری اطلاعات و داده‌ها استفاده شده است. در این راستا، سؤالات از قبل طرح شده و از تمام پاسخگویان پرسش‌های مشابه پرسیده شده و آنها به این پرسش‌ها پاسخ داده‌اند. در این پژوهش برای بررسی میزان اعتبار ابزار اندازه‌گیری، سؤالات مصاحبه به هشت تن از اساتید حوزه جامعه‌شناسی توسعه ارائه شده و از پیشنهادات آن‌ها استفاده شده است. بنابراین اعتبار این پژوهش از نوع اعتبار صوری است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها، از روش تحلیل مضمون^۱ استفاده می‌شود. مراحل شش‌گانه تحلیل مضمون در ادامه توضیح داده خواهد شد. تحلیل مضمون فراگردی بازگشتی^۲ است که در آن حرکت به عقب و جلو در بین مراحل ذکر شده وجود دارد (براون و کلارک^۳، ۲۰۲۱: ۳۲۸).

مرحله ۱: آشنایی با داده‌ها: برای اینکه محقق با عمق و گستره محتوایی داده‌ها آشنا شود لازم است که خود را در آن‌ها تا اندازه‌ای غوطه‌ور سازد. غوطه‌ور شدن در داده‌ها معمولاً شامل «بازخوانی مکرر داده‌ها» و خواندن داده‌ها به صورت فعال (یعنی جستجوی معانی و الگوها) است.

مرحله ۲: ایجاد کدهای اولیه: مرحله دوم زمانی شروع می‌شود که محقق داده‌ها را خوانده و با آن‌ها آشنایی پیدا کرده است. این مرحله شامل ایجاد کدهای اولیه از داده‌ها است. کدها یک ویژگی داده‌ها را معرفی می‌نمایند که به نظر تحلیل‌گر جالب می‌آید. داده‌های کدگذاری شده از واحدهای تحلیل مضمون متفاوت هستند. کدگذاری به این امر بستگی خواهد داشت که آیا هدف شما این است که محتوای کل مجموعه داده‌ها را کدگذاری کنید یا اینکه ویژگی خاصی از مجموعه داده‌ها را مدنظر دارید. در تحقیق کنونی هدف کدگذاری مجموعه داده‌ها نبوده است، بلکه ویژگی خاصی از داده‌های حاصل از مصاحبه که در مورد مولفه‌های تأیید نشده تحقیق بوده‌اند؛ در مرحله دوم کدگذاری شده‌اند.

¹ Thematic Analysis

² Recursive

³ Braun & Clarcke

مرحله ۳: جستجوی تم‌ها: در این مرحله محقق، تحلیل کدهای خود را شروع کرده و در نظر می‌گیرد که چگونه کدهای مختلف می‌توانند برای ایجاد یکتم کلی ترکیب شوند.

مرحله ۴: بازبینی تم‌ها: مرحله چهارم زمانی شروع می‌شود که محقق مجموعه‌ای از تم‌ها را ایجاد کرده و آن‌ها را مورد بازبینی قرار می‌دهد. این مرحله شامل دو مرحله بازبینی و تصفیه تم‌ها است. مرحله اول شامل بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده است. در مرحله دوم اعتبار تم‌ها در رابطه با مجموعه داده‌ها در نظر گرفته می‌شود.

مرحله ۵: تعریف و نام‌گذاری تم‌ها: به‌وسیله تعریف و بازبینی کردن، ماهیت آن چیزی که یکتم در مورد آن بحث می‌کند مشخص شده و تعیین می‌گردد که هر تم کدام جنبه از داده‌ها را در خود دارد.

مرحله ۶: تهیه گزارش: مرحله ششم زمانی شروع می‌شود که محقق مجموعه‌ای از تم‌های کاملاً آبدیده در اختیار داشته باشد.

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها

پس از انجام مصاحبه‌های مربوط به تحقیق، مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها آغاز می‌شود. مصاحبه‌ها پس از ویرایش و تدوین، می‌بایست دسته‌بندی شده و فرآیندی روی آن‌ها صورت گیرد. پس از رسیدن به کفایت نظری محقق با گردآوری مضامین سازمان دهنده در جریان تحقیق و فراوانی مضامین پایه مرتبط با هر کدام از این مضامین سازمان دهنده اقدام به حذف مضامین نزدیک به هم یا کم‌اهمیت‌تر (از منظر کم بودن میزان فراوانی) می‌کند تا شبکه مضامین فراگیر تحقیق حاصل شود.

جدول ۱. شبکه مضامین سازمان دهنده ظهور یافته در جریان تحقیق و فراوانی مضامین پایه مرتبط

ردیف	عنوان مضمون سازمان دهنده	فراوانی مضامین پایه مرتبط
۱	عدم جذب سرمایه‌های خارجی	۴
۲	فرار سرمایه	۸
۳	فرار مغزها	۹
۴	عدم اجماع و وفای ملی در مورد توسعه	۹
۵	تاکید بر ایدئولوژی‌گرایی به جای ملی‌گرایی	۵

ردیف	عنوان مضمون سازمان دهنده	فراوانی مضامین پایه مرتبط
۶	وجود حاکمیت رانته	۲۰
۷	عدم توجه به آزادی‌های سیاسی	۱۵
۸	حجم بالای نقدینگی	۴
۹	افزایش نرخ ارز	۳
۱۰	عدم ثبات سیاست‌های پولی	۴
۱۱	بالابودن نرخ بهره	۱۰
۱۲	ورشکستگی بانکها	۱۲
۱۳	دخالت‌های غیرکارشناسی دولت‌ها در موضوع ارز	۱۷
۱۴	اصرار بر قیمت‌گذاری دستوری از سوی دولت‌ها	۱۹
۱۵	عدم توجه کافی به فناوری اطلاعات	۴
۱۶	مدیریت ضعیف نیروی کار و سرمایه	۴
۱۷	استواری اقتصاد بر استفاده از منابع	۳
۱۸	عدم اصلاحات ساختاری و سیاست موجود	۵
۱۹	پپیچیدگی قوانین و دستورالعملها و کارآ نبودن آنها	۲
۲۰	عدم پیوستگی قوانین با مشکلات واحدها	۳
۲۱	عدم توجه به دو بعدی بودن مدیریت (تفکر و عمل)	۱
۲۲	مشکلات نقدینگی و تأمین منابع مالی	۱
۲۳	عدم ثبات مدیران	۱
۲۴	صرف میزان بالایی از زمان، در زمینه مسائل کم اهمیت	۱
۲۵	کارآ نبودن قوانین و دستورالعملها	۱
۲۶	استواری اقتصاد بر استفاده از منابع	۲
۲۷	عدم اصلاحات ساختاری و سیاست موجود	۲
۲۸	پپیچیدگی قوانین و دستورالعملها	۱
۲۹	وجود موانع تجاری فراوان	۱۰
۳۰	نبود یک برنامه جامع ملی ضد فقر	۲
۳۱	محیط کسب‌وکار نامناسب	۳
۳۲	فضای نامساعد سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی	۸
۳۳	ساختار ضد تولید و غیرمولد اقتصاد ملی	۱۰
۳۴	چارچوب نهادی معیوب	۷
۳۵	تورم فزاینده	۱۱

ردیف	عنوان مضمون سازمان دهنده	فراوانی مضامین پایه مرتبط
۳۶	ناپایداری و عدم ثبات رشد اقتصادی	۷
۳۷	نداشتن تعهد و مشارکت	۳
۳۸	نداشتن حق مسئولیت و دلسوزی	۳
۳۹	مقاومت در برابر تغییر از سوی مدیریت	۱
۴۰	فرهنگ کاری ضعیف	۱
۴۱	تحریم‌های اقتصادی	۱۱
۴۲	ممانعت از حضور رقبای خارجی در عرصه تولید	۷
۴۳	نداشتن آگاهی از مفهوم بهره‌وری	۲
۴۴	عدم برخورداری از انگیزه	۲
۴۵	عدم نگرش سیستماتیک به مسائل و مشکلات	۱
۴۶	تصمیم‌گیری‌های سطحی و مقطعی توسط مدیران	۱
۴۷	عدم وجود طبقات متنوع در جامعه ایرانی در طول تاریخ	۹
۴۸	نظام مالیاتی ناعادلانه	۶
۴۹	مخارج بالای دولت	۶
۵۰	پایین بودن حداقل دستمزد	۹
۵۱	نرخ بالای بیکاری	۱۳
۵۲	عدم ارائه تسهیلات مالی مناسب به افراد کم درآمد	۱۴
۵۳	کاهش اثرات جهانی‌شدن به دلیل وابستگی به درآمدهای نفتی	۶
۵۴	فقدان قوانین شفاف در تجارت و ارز	۷
۵۵	عدم وجود نظام واقعی تقسیم وظایف در ساختار دولت	۲۱
۵۶	کیفیت پایین کالاهای تولیدی و توان پایین رقابت‌پذیری	۷
۵۷	ضرورت حذف موانع ساختاری بر سر جهانی‌شدن	۱۰
۵۸	اصلاح قوانین مربوط به تجارت	۳
۵۹	اصلاح قوانین مربوط به حق مالکیت	۶
۶۰	عدم جذب سرمایه‌های خارجی	۸
۶۱	عدم حضور رقبای خارجی در عرصه تولید	۸
۶۲	تحریم‌های اقتصادی	۱۵
۶۳	نگاه دوگانه خیر و شر به کشورها	۱۰
۶۴	عدم وجود نظام واقعی تقسیم وظایف در ساختار دولت	۹
۶۵	نظام مالیاتی ناعادلانه	۱۰

ردیف	عنوان مضمون سازمان دهنده	فراوانی مضامین پایه مرتبط
۶۶	حجم دولت	۲
۶۷	مخارج بالای دولت	۱۱
۶۸	فساد	۲

پس از مرور جدول فوق می‌توان مضامین سازمان‌دهنده‌ای که از منظر محقق به لحاظ محتوایی و درونمایه به هم شبیه هستند را در قالب یک مضمون فراگیر مطرح کرد تا جدول شبکه مضامین فراگیر تحقیق به شکل زیر ترسیم شود:

جدول ۲. جدول شبکه مضامین فراگیر تحقیق

ردیف	عنوان مضمون فراگیر	شماره عناوین سازمان دهنده زیرمجموعه
۱	عدم جذب سرمایه‌های خارجی، فرار سرمایه، فرار مغزها، عدم اجماع و وفاق ملی در مورد توسعه، تاکید بر ایدئولوژی‌گرایی به جای ملی‌گرایی، وجود حاکمیت رانتی، عدم توجه به آزادی‌های سیاسی	۱-۷
۲	حجم بالای نقدینگی، افزایش نرخ ارز، عدم ثبات سیاست‌های پولی، بالابودن نرخ بهره، ورشکستگی بانکها	۸-۱۲
۳	عدم توجه کافی به فناوری اطلاعات، مدیریت ضعیف نیروی کار و سرمایه، استواری اقتصاد بر استفاده از منابع، عدم اصلاحات ساختاری و سیاست موجود، پیچیدگی قوانین و دستورالعملها و کارآ نبودن آنها، عدم پیوستگی قوانین با مشکلات واحدها، عدم توجه به دو بعدی بودن مدیریت (تفکر و عمل)، مشکلات نقدینگی و تأمین منابع مالی، عدم ثبات مدیران، صرف میزان بالایی از زمان، در زمینه مسائل کم اهمیت، استواری اقتصاد بر استفاده از منابع، عدم اصلاحات ساختاری و سیاست موجود، پیچیدگی قوانین و دستورالعملها و کارآ نبودن آنها، وجود موانع تجاری فراوان، نداشتن تعهد و مشارکت، نداشتن حق مسئولیت و دلسوزی، مقاومت در برابر تغییر از سوی مدیریت فرهنگ کاری ضعیف، تحریم‌های اقتصادی، ممانعت از حضور رقبای خارجی در عرصه تولید، نداشتن آگاهی از مفهوم بهره‌وری، عدم برخورداری از انگیزه، عدم نگرش سیستماتیک به مسائل و مشکلات، تصمیم‌گیری‌های سطحی و مقطعی توسط مدیران	۱۵-۲۹ و ۳۷-۴۰ و ۴۳-۴۶
۴	نبود یک برنامه جامع ملی ضد فقر، محیط کسب‌وکار نامناسب، فضای	۳۰-۳۶

ردیف	عنوان مضمون فراگیر	شماره عناوین سازمان دهنده زیرمجموعه
	نامساعد سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی، ساختار ضد تولید و غیرمولد اقتصاد ملی، چارچوب نهادی معیوب، تورم فزاینده، ناپایداری و عدم ثبات رشد اقتصادی، عدم وجود طبقات متنوع در جامعه ایرانی در طول تاریخ، نظام مالیاتی ناعادلانه، مخارج بالای دولت، پایین بودن حداقل دستمزد، نرخ بالای بیکاری، عدم ارائه تسهیلات مالی مناسب به افراد کم درآمد	و ۴۷-۵۲
۵	کاهش اثرات جهانی شدن به دلیل وابستگی به درآمدهای نفتی، فقدان قوانین شفاف در تجارت و ارز، عدم وجود نظام واقعی تقسیم وظایف در ساختار دولت، کیفیت پایین کالاهای تولیدی و توان پایین رقابت‌پذیری، ضرورت حذف موانع ساختاری بر سر جهانی شدن، اصلاح قوانین مربوط به تجارت، اصلاح قوانین مربوط به حق مالکیت، عدم جذب سرمایه‌های خارجی، عدم حضور رقبای خارجی در عرصه تولید، تحریم‌های اقتصادی، نگاه دوگانه خیر و شر به کشورها، تحریم‌های اقتصادی، ممانعت از حضور رقبای خارجی در عرصه تولید	۵۳-۶۳
۶	دخالت‌های غیرکارشناسی دولت در موضوع ارز، اصرار بر قیمت‌گذاری دستوری از سوی دولت، عدم وجود نظام واقعی تقسیم وظایف در ساختار دولت، نظام مالیاتی ناعادلانه، حجم دولت، مخارج بالای دولت، فساد	۱۴ و ۱۳ و ۶۶-۷۰

سؤال اول: مهم‌ترین عوامل و مولفه‌های اثرگذار بر عدم دستیابی به سطح مطلوبی از

تولید و رفاه در دوره پس از انقلاب اسلامی چیست؟

از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، عدم جذب سرمایه‌های خارجی، فرار سرمایه، فرار مغزها، عدم اجماع و وفاق ملی در مورد توسعه، تاکید بر ایدئولوژی‌گرایی به جای ملی‌گرایی، وجود حاکمیت رانتی، عدم توجه به آزادی‌های سیاسی به عنوان مهمترین عوامل و مولفه‌های اثرگذار بر عدم دستیابی به سطح مطلوبی از تولید و رفاه در دوره پس از انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند.

سؤال دوم: سیاست‌های پولی و قیمت‌ها چگونه بر عدم تحقق توسعه اقتصادی کشور

تاثیرگذار بوده است؟

از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، حجم بالای نقدینگی، افزایش نرخ ارز، عدم ثبات سیاست‌های پولی، بالابودن نرخ بهره، ورشکستگی بانکها به عنوان تبعات سیاست‌های پولی و قیمتی اشتباه در طی سالیان اخیر و اثرات آن بر رشد اقتصادی به شمار می‌آیند.

سؤال سوم: مهم‌ترین عوامل و مولفه‌های اثرگذار بر عدم دستیابی به جایگاه مطلوبی از

بهره‌وری در دوره پس از انقلاب اسلامی چیست؟

از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، عدم توجه کافی به فناوری اطلاعات، مدیریت ضعیف نیروی کار و سرمایه، استواری اقتصاد بر استفاده از منابع، عدم اصلاحات ساختاری و سیاست موجود، پیچیدگی قوانین و دستورالعملها و کارآ نبودن آنها، عدم پیوستگی قوانین با مشکلات واحدها، عدم توجه به دو بعدی بودن مدیریت (تفکر و عمل)، مشکلات نقدینگی و تأمین منابع مالی، عدم ثبات مدیران، صرف میزان بالایی از زمان، در زمینه مسائل کم اهمیت، عدم پیوستگی قوانین با مشکلات واحدها، استواری اقتصاد بر استفاده از منابع، عدم اصلاحات ساختاری و سیاست موجود، پیچیدگی قوانین و دستورالعملها و کارآ نبودن آنها، وجود موانع تجاری فراوان، نداشتن تعهد و مشارکت، نداشتن حق مسئولیت و دلسوزی، مقاومت در برابر تغییر از سوی مدیرتف فرهنگ کاری ضعیف، تحریم‌های اقتصادی، ممانعت از حضور رقبای خارجی در عرصه تولید، نداشتن آگاهی از مفهوم بهره‌وری، عدم برخورداری از انگیزه، عدم نگرش سیستماتیک به مسائل و مشکلات، تصمیم‌گیری‌های سطحی و مقطعی توسط مدیران به عنوان مهم‌ترین عوامل و مولفه‌های اثرگذار بر عدم دستیابی به جایگاه مطلوبی از بهره‌وری در دوره پس از انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند.

سؤال چهارم: مهم‌ترین عوامل و مولفه‌های اثرگذار بر عدم دستیابی به نقطه مطلوب

عدالت، فقرزدایی و دوری از تبعیض و نابرابری در دوره پس از انقلاب اسلامی چیست؟

از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، نبود یک برنامه جامع ملی ضد فقر، محیط کسب‌وکار نامناسب، فضای نامساعد سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی، ساختار ضد تولید و غیرمولد اقتصاد ملی، چارچوب نهادی معیوب، تورم فزاینده، ناپایداری و عدم ثبات رشد اقتصادی، عدم وجود طبقات متنوع در جامعه ایرانی در طول تاریخ، نظام مالیاتی ناعادلانه، مخارج بالای دولت، پایین بودن حداقل دستمزد، نرخ بالای بیکاری، عدم ارائه تسهیلات مالی مناسب به افراد کم درآمد به عنوان مهم‌ترین عوامل و مولفه‌های اثرگذار بر عدم دستیابی به نقطه مطلوب عدالت، فقرزدایی و دوری از تبعیض و نابرابری در دوره پس از انقلاب اسلامی به حساب می‌آیند.

سؤال پنجم: نقش جهانی شدن اقتصاد، پیوندهای خارجی و تجارت جهانی در عدم

تحقق توسعه اقتصادی کشور چیست؟

از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، کاهش اثرات جهانی شدن به دلیل وابستگی به درآمدهای نفتی، فقدان قوانین شفاف در تجارت و ارز، عدم وجود نظام واقعی تقسیم وظایف در ساختار دولت، کیفیت پایین کالاهای تولیدی و توان پایین رقابت‌پذیری، ضرورت حذف موانع ساختاری بر سر جهانی شدن، اصلاح قوانین مربوط به تجارت، اصلاح قوانین مربوط به حق مالکیت، عدم جذب سرمایه‌های خارجی، عدم حضور رقبای خارجی در عرصه تولید، تحریم‌های اقتصادی، نگاه دوگانه خیر و شر به کشورها، تحریم‌های اقتصادی و ممانعت از حضور رقبای خارجی در عرصه تولید به عنوان مهمترین تأثیرات جهانی شدن اقتصاد، پیوندهای خارجی و تجارت جهانی بر عدم تحقق توسعه اقتصادی کشور به حساب می‌آیند.

سؤال ششم: نقش دولت و ساختار اقتصادی در عدم تحقق توسعه اقتصادی کشور چیست؟

از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، دخالت‌های غیرکارشناسی دولت در موضوع ارز، اصرار بر قیمت‌گذاری دستوری از سوی دولت، عدم وجود نظام واقعی تقسیم وظایف در ساختار دولت، نظام مالیاتی ناعادلانه، حجم دولت، مخارج بالای دولت، فساد به عنوان مهمترین دلایل تأثیرات منفی دولت در عرصه عدم توسعه اقتصادی به شمار می‌آیند.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های تحقیق یکی از عوامل مهم عدم توسعه اقتصادی در ایران سیاست‌های اشتباه پولی و قیمتی است. از اینرو، پیشنهاد می‌شود، در سیاست‌های مذکور تجدید نظر اساسی شود به طوری که کاهش حجم نقدینگی، ثبات نرخ ارز و کاهش بهره بانکی به عنوان اهم اولویت‌های این عرصه در دستور کار قرار گیرد.

با توجه به تأکید متخصصان بر نقش مخرب دولت در موضوع ارز و قیمت‌گذاری دستوری، پیشنهاد می‌شود مجموعه اقتصادی دولت از نگاه دستوری اجتناب نموده و به قواعد بازار و عرضه و تقاضا توجه نمایند تا زمینه‌های آرامش بازار و دوری از تلاطم فراهم گردد.

یافته‌های گویای این است که یکی از عواملی که برای عدم توفیق در برنامه‌های فقرزدایی و عدالت و رفع نابرابری‌ها مورد توجه قرار گرفت موضوع فضای نامساعد سرمایه‌گذاری برای

بخش خصوصی بود. وقتی فضای همکاری دولت و حاکمیت و سیستم اداری و دیوانی با بخش خصوصی و تبادل و تعامل آنها مناسب نباشد و حتی دولت و بخش اداری و دیوانی و قضایی و حاکمیتی با دید خصومت با بخش خصوصی برخورد کنند، و این موضوع موجب می‌شود که سرمایه‌دار بخش خصوصی احساس امنیت برای سرمایه‌گذاری نکند و یا در اثر دست اندازها و بروکراسی‌های زائد اداری و دیوانی و قضایی و برخورد ناثواب و ناصحیح مسئولین ذیربط با آنها دچار کاهش انگیزه شوند واضح است که این سیل سرمایه یا به طرف خارج از مرزها گسیل می‌شود و یا وارد بخش‌های غیرمولد جامعه مانند دلالی و سپرده‌های بانکی می‌شود و تولید رونق خود را از دست داد و فقر شدید شده و نابرابری‌ها و شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی تشدید می‌یابد.

در خصوص فقر و نابرابری در ایران و تأثیر آن بر عدم توسعه اقتصادی یکی از مواردی که از سوی کارشناسان مورد تاکید قرار گرفت، نظام مالیاتی ناعادلانه و نبود یک برنامه جامع ملی ضد فقر بوده است. از اینرو، پیشنهاد می‌شود، دولت ضمن بازنگری اساسی در نظام مالیاتی و عزم جدی در اخذ مالیات از صاحبان سرمایه، با استفاده از نظرات کارشناسان به تدوین یک برنامه جامع در خصوص تلاش برای فقرزدایی مبادرت نماید.

نتایج نشان داد که یکی از موانع ساختاری دستیابی به توسعه، محدودیت در ارتباط با کشورهای جهان بر اساس اصل منافع ملی است. همانطور که در این مطالعه اشاره شد، توسعه روند ایزوله نیست بلکه دائماً می‌بایست در مسیر آن از تجربیات اکتسابی دیگران استفاده کرد مگر می‌شود در تولید به رشد و توسعه و تکامل خیره کننده دست یافت ولی از تجربیات و مبادلات فنی و دانش سایرین محروم ماند. معمولاً این نوع تفکر محدود ساختن ارتباطات بین المللی در حکومت‌های رانتی رایج است به دلیل اینکه به منابع سرشار نفتی، معدنی و رانتی متصل هستند و تولید برای آنها اولویت‌های بعدی را دارد و طبیعی است که هر گونه که بخواهند با دنیا صحبت و تعامل می‌کنند نه بر اساس منطق و عقل و در نظر گرفتن پیش نیازهای توسعه اقتصادی.

تأسیس نهاد مؤثر فراقوه‌ای برای استفاده از ظرفیت مالی و سرمایه‌ای و فن آوری ایرانیان خارج از کشور به طوری که این نهاد توان تصمیم‌گیری و اجرا به شکل قانونی را دارا باشد، پیشنهاد می‌شود.

در خصوص تأثیرات جهانی شدن و پیوندهای خارجی بر عدم توسعه اقتصادی در ایران، موضوع تحریم‌های اقتصادی بسیار از سوی کارشناسان مورد تأکید قرار گرفت. با توجه به اینکه تحریم‌های مذکور موجب شده‌اند که ایران به یک کشور منزوی در عرصه اقتصاد بدل شود، پیشنهاد می‌شود با در نظر گرفتن منافع ملی به تلاش برای برداشتن تحریم‌ها اقدام شود تا از این رهگذر رشد و توسعه اقتصادی کشور بهبود یابد.

مشکل اصلی در روند توسعه اقتصادی معلوم کردن مرکز هدایت و تمشیت امور و فرآیندهای توسعه است تفاوت ایران و مالزی در این مورد قابل اشاره است. از اینرو، پیشنهاد می‌شود هر شخص حقیقی و حقوقی که متکفل روند توسعه اقتصادی است می‌بایست اختیارات شفاف و صریح قانونی را نیز دارا باشد که بتواند فرایند توسعه را راهبری نماید.

محدود کردن منابع رانتی و نفتی باید با برنامه باشد. منطقی و عقلانی نیست که کسری موجود را با فشار به پروژه‌های تولیدی و عمرانی جبران کرد. پیشنهاد می‌شود با یک برنامه مدون، هدفمند، واضح و منطقی و به مرور به این هدف استراتژیک دست یافت که این خود نیازمند آسیب شناسی جدی و نظارت مستحکم و دقیق خواهد بود.

مبارزه با فساد اقتصادی و بهینه کردن ساختارهای تصمیم‌گیری جهت برونداد مطلوب بدون گردش آزاد اطلاعات امکان‌پذیر نیست. از اینرو، پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی برای ایجاد زمینه مناسب برای گردش آزاد اطلاعات و اطلاع‌رسانی شفاف و تضمین امنیت برای این هدف صورت پذیرد.

تعبیه ساز و کارهایی که دولتمردان نتوانند به راحتی اعمال سلیقه در امور مربوط به قیمت ارز نمایند می‌تواند در جلوگیری از تلاطم در بازار ارز مؤثر واقع شود. در این راستا، پیشنهاد می‌شود نهادهای متولی مانند بانک مرکزی با تدابیری استقلال عمل بیشتری پیدا کند.

بر اساس نتایج یکی از مشکلات و مسائل موجود در حوزه بهره‌وری، به مبانی فرهنگی و اجتماعی مربوط می‌شود. به طوریکه در بسیاری از سازمانها کارمند انگیزه و تمایل چندانی برای کار و فعالیت از خود بروز نمی‌دهند. بنابراین، نیاز است آموزش از سطوح پایه در این خصوص مد نظر قرار گیرد تا مسئولیت‌پذیری و مشارکت در عموم جامعه نهادینه گردد.

پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی برای تشویق و تهییج جهت تأسیس و تقویت نهادهای مدنی و اجتماعی مانند اصناف و تعامل سازنده و متقابل این نهادها با حاکمیت و دولت‌ها صورت گیرد.

توسعه بدون در نظر گرفتن آموزش و فرهنگ ممکن نیست. از آنجاییکه توجه خاص به نهاد آموزش و پرورش، حل معضلات فرهنگیان و معلمان و نیز واگذاری تعیین محتوای درسی به متخصصان امر و نیز واگذاری امور آموزشی و تربیتی و فرهنگی به زعمای آن حوزه بسیار اساسی است در این مورد باید از تجربیات کشورهای پیشرو استفاده کرد.

در اسناد بالادستی مانند سند چشم‌انداز بازنگری صورت گیرد. در این راستا، بررسی دقیق و نظارت میدانی و حقیقی جهت جلوگیری از انحراف از اسناد بالادستی که می‌بایست این اسناد از حالت انفعالی و پیوستی برنامه‌ها و حاشیه نشینی به درآید.

نیاز است در ساختار حاکمیت طوری طراحی و بازنگری محتوایی صورت پذیرد که نهادهای انتصابی بر نهادهای انتخابی غلبه نداشته باشد که اگر این حالت پیش بیاید نسبت پاسخگویی، اختیار و مسئولیت نامتناسب و غیرمنطقی می‌گردد.

تصحیح و ترفیق نگاه ایدئولوژیک و درجه بندی به شهروندان و ایجاد دیدگاه سیاسی به آنان که این امر همت و اراده جدی حاکمیت را می‌طلبد.

پیشنهاد می‌شود اصلاح ساختار نظام بانکی و تعبیه قوانین متحدالرویه بانکی، مؤسسات پولی و اقتصادی و نظارت دقیق جهت جلوگیری از انحراف از قوانین تدوین شده و از عملکرد سلیقه‌ای این مؤسسات ممانعت به عمل آید.

کتابنامه

- اخوی، احمد (۱۳۷۳). تجارت بین‌الملل، استراتژی بازرگانی و توسعه اقتصادی، تهران: نشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- امیری، معصومه و حسین زاده، هدایت (۱۳۹۹). «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی ایران»، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت امور مالی، تجارت، بانک، اقتصاد و حسابداری، تهران.
- سیفی، محمود و ملکی، زهره (۱۳۹۵). «بررسی تحلیلی عوامل رشد و توسعه اقتصادی ایران و تدوین استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی در شرایط کنونی منطقه و جهان»، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم اجتماعی، دبی: موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.
- عینی، رحیم و دلاوری، رضا (۱۳۷۹). «مقایسه نقش نخبگان در فرایند توسعه اقتصادی ایران و مالزی با تأکید بر نظریه «آدریان لفت ویچ» (دوره ماهاتیر محمد و محمد خاتمی)»، سپهر سیاست، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۱۳۷-۱۶۷.
- قاسم علی، مژگان و حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی - تاریخی توسعه‌ی اقتصادی در ایران و کره‌ی جنوبی از زمان ادغام در نظام جهانی تاکنون، پایان‌نامه دکترای تخصصی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی.
- مردانی، علی و مرادزاده، میلاد (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر توسعه اقتصادی کشور ایران»، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری، اقتصاد و بانکداری در هزاره سوم، تهران.
- مسعودی، نسیم (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی توسعه اقتصادی ایران در مقایسه با کشورهای منطقه»، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت دانش، بلاکچین و اقتصاد، تهران.
- مک لئود، تاس اچ (۱۳۷۹). برنامه‌ریزی در ایران، ترجمه علی اعظم، تهران: نشر نی.
- Braun, V., & Clarke, V. (2021). One size fits all? What counts as quality practice in (reflexive) thematic analysis? *Qualitative Research in Psychology*, 18(3): 328-352.
- Brekke, T. (2021). What do we know about the university contribution to regional economic development? A conceptual framework. *International Regional Science Review*, 44(2): 229-261.
- Dvouletý, O., & Gordievskaya, A., & Procházka, DA. (2018). Investigating the relationship between entrepreneurship and regional development: Case of developing countries. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 8(1): 1-9.
- Enaifoghe, A. (2021). Mitigating Structural Barriers to Global Economic Development in the Least Developed Countries.

- Haraguchi, N., & Cheng, CFC., & Smeets, E. (2017). The importance of manufacturing in economic development: Has this changed?. *World Development*, 93(1): 293-315.
- Moyo, L., & Tsakata Mafuso, L. (2017). The effectiveness of foreign aid on economic development in developing countries: A case of Zimbabwe (1980-2000). *Journal of Social Sciences*, 52(3): 173-187.
- Sabir, S., & Latif, R., & Qayyum, U., & Abass, K. (2019). Financial development, technology and economic development: the role of institutions in developing countries. *Annals of Financial Economics*, 14(03): 195-224.